نماز باران‏

مهدی عبداللهی‏

وَهُوَ الَّذِی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَیَنشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِیُّ الْحَمِیدُ(شوری: 28)

و اوست کسی که باران را - پس از آنکه ]مردم‏[ نومید شدند - فرود می‏آورد و رحمت‏خویش را می‏گسترد و هموست سرپرست ستوده.

قرآن مجید در آیات متعدد به نزول باران، منافع آن و اینکه آمدن آن به‏فرمان خداست اشاره دارد، و از آیاتی، استفاده می‏شود که نیامدن باران در اثرگناه و نافرمانی مردمان است و اگر مردم به راه ایمان و تقوا می‏رفتند باب برکات‏آسمان و زمین به روی آنها گشوده می‏شد.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ وَلکِن‏کَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا کَانُوا یَکْسِبُونَ (اعراف: 96)

اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند قطعاً برکاتی از آسمان و زمین‏بر ایشان می‏گشودیم، ولی تکذیب کردند. پس به ]کیفر[ دستاوردشان ]گریبان‏[ آنان راگرفتیم.

و نیز آیات شریفه یادآور می‏شود که اگر مردم برگردند و استغفار کنند بازرحمت الهی شامل حالشان می‏شود:

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّاراً، یُرْسِلِ السَّماءَ عَلَیْکُم مِدْرَاراً (نوح: 11-10)

و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است، تا برای شمااز آسمان باران پی در پی فرستد.

احادیث و سخنان پیشوایان معصوم نیز نشانگر این است که اگر بندگان‏نافرمانی نکنند و راه معصیت در پیش نگیرند از باران رحمت الهی بر خوردارخواهند شد. و چنانچه در اثر گناه گرفتار خشکسالی و کمبود باران شدند باز هم‏اگر رو به خدا آورند، استغفار کرده و از گناهان پرهیز کنند، خدای مهربان وتوبه‏پذیر بندگان را مشمول عنایت خود قرار داده باران رحمت خویش را به‏سوی ایشان گسیل می‏دارد.

درخواست و طلب باران رحمت الهی ممکن است با دعا و راز و نیاز به درگاه‏الهی یا با خواندن نماز باران (صلاة الاستسقاء) انجام گیرد. هر دو مورد درسیره پیشوایان دینی روایت شده است که در این نوشتار به نمونه‏هایی از آن‏اشاره می‏شود.

مرحوم علامه مجلسی قدس سره فرموده است:

در نظر علمای ما استحباب طلب باران هنگام نیاز به آن از درگاه ایزد منّان‏اجماعی است. سپس درباره نماز باران از علّامه حلی نقل می‏کند: که جزابوحنیفه کسی در استحباب آن تردید نکرده است زیرا ابوحنیفه فقط دعا رامستحب دانسته است.[1]

طلب باران در زمان حضرت موسی علیه السلام‏

روایت شده که بنی‏اسرائیل دچار خشکسالی شد و حضرت موسی علیه‏السلام چند مرتبه تقاضای باران کرد؛ اما باران نیامد. خداوند متعال وحی کردکه من دعای تو و همراهان تو را مستجاب نمی‏کنم در حالی که میان شما سخن‏چینی هست که بر کار خود اصرار دارد.

موسی کلیم(ع) عرض کرد: پروردگارا! این سخن چین کیست؟ تا او را از میان‏خود بیرون کنیم.

خطاب شد: ای موسی! من شما را از سخن چینی باز می‏دارم آنگاه خودسخن چینی کنم؟

از این رو همه بنی‏اسرائیل بدون استثنا توبه کردند و در نتیجه باران رحمت‏الهی بر ایشان نازل شد.[2]

طلب باران در عصر حضرت سلیمان علیه السلام‏

از امام صادق علیه السلام روایت شده که روزی حضرت سلیمان علیه السلام‏با اصحاب خود برای طلب باران بیرون آمدند. در میان راه مورچه‏ای را دید که‏دست نیاز به درگاه الهی بلند کرده می‏گوید: خداوندا ما از مخلوقات تو هستیم و ازروزی تو بی‏نیاز نیستیم. ما را به جهت گناهان بنی آدم هلاک نگردان.

حضرت سلیمان به همراهان فرمود: برگردید که به وسیله ]دعای‏[ دیگران‏سیراب شدید.[3]

طلب باران توسط عبدالمطّلب‏

مرحوم مجلسی نوشته‏اند:

در بعضی کتب معتبره مذکور است که در طفولیت حضرت رسول صلی الله علیه وآله خشکسالی عظیم به هم رسید و چندین سال بر ایشان باران نبارید. پس رقیقه دخترصیفی در خواب دید که هاتفی صدا زد که: ای گروه قریش! پیغمبری در میان شما به هم‏رسیده است، مبعوث خواهد شد و به برکت او رحمت و فراوانی و آبادانی برای شماحاصل است. عبدالمطّلب را بطلبید تا فرزند زاده خود را شفیع گرداند و دعا کند تا خداباران دهد شما را.

پس عبدالمطّلب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را بر دوش گرفته بر کوه‏ابوقبیس بالا رفت و اکابر قریش بر گرد او جمع شدند دعای باران خواندند و در همان‏ساعت از برکات آن حضرت بارانی ریخت که سیلاب از شعاب مکّه روان شد.[4]

گویا ابوطالب عموی آن حضرت در مدیحه مشهور خود:

و ابیض یستسقی الغمام بوجهه‏

(سپیدرویی که به وجاهت او طلب باران می‏شود) به این جریان اشاره‏دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و طلب باران‏

روایات بسیاری در رابطه با دعا یا نماز باران توسط حضرت رسول اکرم صلی‏الله علیه و آله وارد شده است.

لازم است یادآوری شود که از این نقلها استفاده می‏شود اولاً طلب باران ازسوی آن حضرت در دفعات متعدد اتفاق افتاده و ثانیاً گاهی به صورت دعا وگاهی با بجای آوردن نماز و قرائت خطبه مشتمل بر دعا بوده است.

اینک چند نمونه از این روایات:

1. بخاری از انس بن مالک روایت کرده است که روز جمعه‏ای در حالی که‏حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله روی منبر ایستاده و مشغول خواندن خطبه‏بودند مردی از درِ رو به رو وارد شد و عرضه داشت: یا رسول اللّه چهار پایان‏هلاک شدند و راهها بسته شده است، دعا کن خداوند باران بر ما نازل کند.حضرت دستها را بلند کرد و گفت: اللّهمّ اسقنا، اللهم اسقنا اللهم اسقنا یعنی‏خداوندا ما را سیراب کن.

انس می‏گوید: سوگند به خدا در آسمان ابری، لکه‏ای و چیزی نمی‏دیدیم ومیان ما و کوه سلع‏خانه و ساختمانی مانع نبود که ناگهان از پشت کوه سلع ابری‏همانند سپر سر کشید و چون به وسط آسمان رسید گسترده شد و شروع به‏باریدن کرد. باز انس سوگند می‏خورد که شش روز آفتاب را ندیدیم تا روز جمعه‏که حضرت مشغول خطبه بود. مردی از در وارد شد و عرضه داشت: یا رسول الله!اموال نابود شدند و راهها بسته شد، دعا کن خداوند باران را باز دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دستها را بلند کرد و گفت: خداوندا! به اطراف‏ما نه بر ما، خداوندا بر بیشه‏ها و کوهها و دره‏ها و محل رویش گیاهان. در نتیجه‏باران قطع شد و ما از مسجد بیرون آمدیم و در هوای آفتابی راه پیمودیم.[5]

2. ابن‏هشام آورده است که مردم مدینه با قحطی مواجه شدند و به حضورپیامبر عظیم الشأن آمده شکایت کردند، حضرت بالای منبر رفت و طلب باران‏نمود. چیزی نگذشت که بارش باران آغاز شد. به گونه‏ای که اهالی آمدند و این‏دفعه از غرق شدن شکایت کردند. حضرت این گونه دعا نمودند: اللّهم حوالینا ولا علینا یعنی خداوندا به اطراف ما نه بر ما. بعد از این دعا ابر از شهر مدینه کناررفت و مانند اکلیل اطراف شهر را احاطه کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر ابوطالب امروز حاضر بود خشنودمی‏شد. برخی از اصحاب گفتند: یا رسول اللّه شاید منظورتان این شعر ابوطالب‏است.

و ابیض یستسقی الغمام بوجهه‏

ثمال الیتامی عصمة للارامل‏

(سپیدرویی که به وجاهت او طلب باران می‏شود

کسی که پناهگاه یتیمان و بیوه‏زنان است) . حضرت فرمود: بلی.[6]

3. در صحیح بخاری آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای طلب‏باران به مصلّی رفت. رو به قبله ایستاد و عبای خود را برگرداند و دو رکعت نمازبه جای آورد.[7]

طلب باران با توسل به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله‏

اویس بن عبدالله می‏گوید: مردم مدینه دچار خشکسالی سختی شدند و به‏عایشه شکایت بردند. عایشه گفت: به قبر پیامبر توجّه کنید و روزنه‏ای از فرازآن به سوی آسمان باز کنید. به طوری که میان قبر و آسمان هیچ سقفی نباشد.مردم چنین کردند. پس آسمان بارید و گیاهان رویید و شتران فربه شدند.[8]

طلب باران با توسل به عموی پیامبر

انس روایت کرده هنگامی که مردم دچار کم بارانی می‏شدند عمر بن خطاب‏با توسل به عباس بن عبدالمطّلب عموی پیامبر، طلب باران می‏کرد و چنین‏می‏گفت:

أللّهم إنّا کنّا نتوسّل إلیک بنبیِنّا صلّی اللّه علیه و سلّم فتُسقینا و إنّا نتوسل إلیک‏بعمّ نبیّنا فاسقنا.

یعنی خداوندا ما به وسیله پیامبرمان به تو متوسل می‏شدیم، ما را از باران رحمت‏خود برخوردار می‏کردی، و اکنون به وسیله عموی پیامبرمان به تو متوسل شده‏ایم پس ما راسیراب کن!

انس می‏گوید: و بدین گونه باران می‏آمد و مردم سیراب می‏شدند.[9]

طلب باران توسط امیرمؤمنان علیه السلام‏

در نهج البلاغه دو خطبه مشتمل بر دعا و یک دعا درباره استسقا و طلب‏باران آمده است که با عباراتی زیبا و مضمونی والا طلب باران را از درگاه احدیت‏دارند.[10] علاوه بر آن خطبه کاملی برای نماز باران از آن حضرت نقل شده‏است.[11]

دعای باران توسط حسنین علیهما السلام‏

نقل شده عده‏ای از اهل کوفه نزد امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و از کمبودباران شکایت کردند. آن حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام را فراخواند،نخست به امام حسن علیه السلام فرمود برای ما دعایی برای طلب باران بخوان.امام حسن دعایی نیکو کردند سپس امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسین‏فرمود: دعا کن. امام حسین نیز دعایی همانند امام حسن با الفاظ و معانی زیباخواندند. چون حسنین علیهما السلام از دعا فارغ شدند خداوند تبارک و تعالی‏برای مردم از آسمان باران فراوانی فروریخت.[12]

آمدن باران به دعای امام سجاد علیه السلام‏

نقل شده که گروه عابدان بصره امثال ایوب سجستانی، صالح مروی، عتبه‏علّام، حبیب فارسی، رابعه، سعدانه و دیگران برای انجام حج عازم مکه شدند.در آنجا به جهت خشکسالی با کمبود آب و تشنگی و ناراحتی مردم مواجه‏شدند. مردم مکه و حاجیان از آنها خواستند تا باران طلب کنند.

عابدان بصره کنار کعبه آمده بعد از طواف با خضوع و ناله باران طلب کردنددعایشان مستجاب نشد. ناگهان دیدند جوانی محزون به سوی کعبه آمد. طواف‏کرد و سپس صورت را به طرف آنها گرداند و تک تک آنان را نام برد و فرمود: آیادر میان شما یک نفر نبود که خدای رحمان او را دوست داشته باشد؟

گفتند: ای جوان ما وظیفه دعا داریم و اجابت از خداست.

فرمود: از کعبه دور شوید. اگر در میان شما یک نفر محبوب خدا بود دعایش‏مستجاب می‏شد. آن گاه خود کنار کعبه آمد. سجده کرد و در سجده عرضه‏داشت:

سیّدی بحبّک لی إلّا سقیتهم الغیث‏

یعنی مولای من به خاطر محبتت نسبت به من ایشان را از باران رحمت خودسیراب کن.

دعای حضرت تمام نشده بارانی سرشار آمد که گویا آب از دهانه مشک‏می‏ریزد.[13]

دعای نوزدهم صحیفه سجادیه هم درباره طلب باران است که با الفاظ زیبا ومعانی بلند همانند دیگر دعاهای آن حضرت بیان شده است.

طلب باران امام رضا علیه السلام‏

از امام حسن عسکری(ع) از امام هادی(ع) از امام جواد علیه السلام‏نقل شده هنگامی که مأمون حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام راولی عهد خود قرار داد. باران نیامد. برخی اطرافیان مأمون و متعصبان گفتند:نگاه کنید از وقتی که علی بن موسی به سوی ما آمد و ولی عهد شد خدا باران را ازما قطع کرد.

این سخن به گوش مأمون رسید و بر او ناگوار آمد پس به امام علیه السلام‏گفت: باران نیامده است چه خوب بود که دعا می‏کردید خداوند عزّ و جلّ برای‏مردم باران می‏فرستاد. امام فرمود: باشد. مأمون گفت: چه وقت دعا خواهی کردو آن روز جمعه بود. امام فرمود: روز دوشنبه برای این که رسول خدا دیشب درعالم رؤیا همراه امیرالمؤمنین پیش من آمد و فرمود: فرزندم روز دوشنبه به‏صحرا برو و طلب باران کن. همانا خداوند تعالی سیرابشان خواهد کرد. و مردم رااز دانشی که خداوند به تو عنایت کرده و آنها نمی‏دانند از احوالشان آگاه کن تانسبت به فضل تو و مقام تو در پیشگاه خداوند آگاه شوند.

چون روز دوشنبه شد، حضرت به سوی صحرا رفت مردم نیز بیرون آمدند وانتظار می‏کشیدند. حضرت بالای منبر رفت. حمد و ثنای الهی بجای آورد.سپس عرضه داشت: خدایا! پروردگارا! تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی. مردم‏نیز چنانکه امر کردی به ما متوسل شده‏اند و امید به فضل و رحمت تو را دارند ومتوقّع احسان و نعمت تو هستند پس بارانی شامل و نافع بدون درنگ و بدون‏ضرر بر ایشان نازل فرما و آغاز آن بعد از برگشت مردم به منزل و محلشان باشد.

امام جواد(ع) ناقل حدیث می‏فرماید: سوگند به آن کسی که‏محمد(ص) را به حق به رسالت مبعوث کرد بادها ابرها را به آسمان کشاندندو رعد و برق بوجود آمد. مردم حرکت کردند تا از باران در امان باشند. حضرت‏فرمود: ای مردم بایستید این ابر برای شما نیست. این برای اهل فلان شهر است.ابرها عبور کردند. ابر دیگری آمد باز هم با رعد و برق. مردم خواستند حرکت‏کنند. حضرت خطاب کرد بایستید این ابر هم برای شما نیست، برای مردم فلان‏دیار است. و بدین گونه ده مرتبه ابر آمد و حضرت چنین فرمود تا در نوبت‏یازدهم حضرت خطاب کرد ای مردم این ابری است که خداوند برای شمافرستاده است. پس در برابر این تفضل خدا سپاسگزار باشید و حرکت کنید و به‏سوی منزل و جایگاه خود برگردید. این ابر با شما و بالا سر شما هست تا به‏جایگاه خود برسید. آن گاه به مقداری که سزاوار کرم الهی است بر شما فروخواهد ریخت. مردم پراکنده شدند، تا نزدیک منازل خود رسیدند که باران به‏شدت درگرفت. و در اثر آن دره‏ها، حوضها برکه‏ها و بیابان‏ها لبریز شد. و مردم‏لب به سخن گشوده گفتند: مبارک باد بر فرزند رسول خدا، کرامت الهی.

سپس حضرت به میان مردم آمدند و آنها را چنین موعظه کردند: ای مردم!از خدا پروا کنید درباره نعمتهایی که به شما بخشیده و به وسیله معصیت آنها رااز خود نرانید. بلکه بوسیله فرمانبرداری و شکر نعمت آنها را ماندگار کنید... .[14]

نماز باران آیة الله العظمی خوانساری‏

از مواردی که نماز باران برگزار شده و ابواب رحمت الهی گشوده گردیده است‏نماز استسقایی است که مرحوم آیة الله العظمی آقای سید محمّدتقی خوانساری‏در قم بجای آوردند؛ و هنوز هستند کسانی که شاهد این ماجرا بوده‏اند. از جمله‏حضرت آیة الله العظمی نوری همدانی حاضر و ناظر بوده‏اند که در اینجا از زبان‏ایشان مطلب را به طور کامل نقل می‏کنیم، ایشان فرمودند:

مرحوم آیة الله العظمی خوانساری نماز مغرب و عشا را در مدرسه فیضیه اقامه‏می‏کردند و نماز را با حال مخصوص می‏خواندند و حدود یک ساعت طول می‏کشید. درسال 1363 قمری مطابق 1323 شمسی بارندگی نشده بود و آن هنگام شهر قم زمین‏زراعتی و نیز باغ فراوان داشت. یک شب بعد از نماز عشا، کشاورزان به مدرسه آمده وبه حضرت آیة الله گفتند: اگر باران نیاید محصولات کشاورزی از بین می‏رود.

آقای خوانساری فرمودند: در بازار اعلان کنند: مردم سه روزِ چهارشنبه، پنجشنبه‏و جمعه را روزه بگیرند تا نماز باران خوانده شود، مردم سه روز روزه گرفتند. روز سوم‏که جمعه بود برای خواندن نماز به طرف محل خاکفرج که آن زمان صحرا بود حرکت‏کردیم. قبل از نماز خطیب مشهور حاج میرزا محمدتقی اشراقی منبر رفت و صحبت‏کرد و گفت: وظیفه ما این است که از خداوند بخواهیم بر ما باران نازل کند و اراده‏خداوند بر هر چه تعلق گیرد همان خواهد شد. و با این بیان دفع دخل مقدّر کرد.- چنانکه همین مطلب را در مدرسه فیضیه که همان ایام شبها منبر می‏رفتند بیان کردند

بالاخره بعد از سخنرانی، مرحوم آیة الله العظمی خوانساری نماز باران را به جای‏آوردند و به سوی مسجد امام که ایشان در آنجا نماز جمعه اقامه می‏کردند برگشتیم.هنگام بازگشت برخی مردم طلبه‏ها را مسخره می‏کردند که عبایتان را بالا بگیرید تاخیس و گلی نشود.

آیة الله العظمی خوانساری پیش از نماز جمعه در حالی که مردم مشغول وضوگرفتن و آماده شدن برای نماز بودند همان طور که نشسته بودند صحبت می‏کردند ومی‏فرمودند: خدا همان خداست، خدا عوض نشده است، زمین عوض نشده است. اعمال‏ماست که موجب قطع نعمت و رحمت می‏شود. سپس نماز جمعه اقامه شد و برگشتیم واز باران خبری نشد. در نتیجه مرحوم آقای خوانساری شب هنگام در نماز مدرسه‏فیضیه دستور داد که طلبه‏ها سه روز روزه بگیرند (فقط طلبه‏ها) سپس نماز اقامه‏شود. لذا ما سه روز یعنی شنبه، یکشنبه و دوشنبه را روزه گرفتیم و روز دوشنبه جهت‏ادای نماز باران به پشت قبرستان حاج شیخ - قم نو فعلی رفتیم. در آنجا منبر دو پله‏کوچکی گذاشته بودند که آقای خوانساری بالای آن رفت و رو به قبله ایستاد و تسبیح دردست داشت و صد مرتبه با حالت مخصوص و خشوع تکبیر گفت. سپس به طرف‏راست، برگشت و با همان حالت صد مرتبه تسبیح گفت. بعد به طرف چپ برگشت وصدبار لا اله الّا اللّه گفت و مرتبه آخر رو به مردم صدبار الحمد للّه گفت و البته طلبه‏هاهم تکرار می‏کردند. سپس با حالت تضرّع نماز و خطبه‏های نماز را به جا آوردند. باشروع نماز ابرها در آسمان پیدا شد و هنگام اتمام نماز ابرها به هم پیوستند و هنوز ازمحل دور نشده بودیم که باران شروع به باریدن کرد. تا ما به حجره رسیدیم لباسهایمان‏حسابی خیس شده بود و باران بسیار شدیدی آمد به طوری که هنگام عصر مردم خدمت‏مرحوم آیة الله العظمی خوانساری رسیده و از ترس این که سیل بیاید تقاضای توقف‏باران را کرده بودند.[15]

آداب و چگونگی نماز استسقاء

در این بخش به آداب و کیفیت نماز استسقاء مطابق آنچه حضرت امام‏خمینی قدس سره در تحریر الوسیله آورده‏اند می‏پردازم:[16]

مستحب است نماز طلب باران هنگام کم آبی و فرورفتن آب جویها و رودها وکاهش بارانها و دریغ آسمان از گریستن به جهت گسترش گناهان و ناسپاسی دربرابر نعمتها، اداء نکردن حقوق، کم فروشی در کیل و وزن، ستم، خیانت، ترک‏امر به معروف و نهی از منکر، نپرداختن زکات، حکم به غیر دستور خدا و جزاینها از چیزهایی که موجب خشم خدای رحمان و موجب نیامدن باران‏می‏شود؛ چنانکه در آیات و روایات اشاره شده است.

نماز باران همانند نماز عید فطر و قربان دو رکعت است و با جماعت خوانده‏می‏شود. فرادی‏خواندن به قصد رجاء هم اشکال ندارد. در رکعت اول بعد از حمدو سوره پنج تکبیر دارد که بعد از هر تکبیر قنوت دارد، و در رکعت دوم بعد ازحمد و سوره چهار تکبیر و بعد از هر تکبیر قنوت دارد.

در قنوت هر دعایی خوانده شود کافی و لیکن بهتر است مشتمل بردرخواست باران و تقاضای عطوفت رحمان با فرستادن باران و گشودن درهای‏رحمت آسمان باشد و دعا را با صلوات بر محمد و آل محمّد شروع کنند.

نماز باران اذان و اقامه ندارد. بلکه مؤذّن بجای آنها سه مرتبه الصّلاةمی‏گوید.

بهتر است این نماز را در وقت نماز عید یعنی ساعات آغاز روز به جای آورند.

وقتی امام از نماز فارغ شد عبای خود را برمی‏گرداند به گونه‏ای که طرف‏راست آن بر شانه چپ و طرف چپ آن بر شانه راست قرار می‏گیرد. سپس بالای‏منبر می‏رود؛ و رو به قبله با صدای بلند صد مرتبه تکبیر می‏گوید. آنگاه به طرف‏راست برگشته صد مرتبه با صدای بلند تسبیح می‏گوید و بعد از آن به طرف چپ‏رو کرده صد مرتبه با صدای بلند لا اله الّا اللّه می‏گوید و در نهایت رو به مردم‏کرده صد مرتبه حمد می‏گوید.

اشکالی هم ندارد که مردم همراه امام اذکار را تکرار کنند بلکه با صدای بلندبگویند.

سپس امام دستهای خود را می‏گشاید و دعا می‏کند و مردم نیز همراه او دعامی‏کنند و در دعا، تضرع، لابه و التماس مبالغه می‏کنند.

بعد از دعا، امام خطبه می‏خواند باز هم در تضرع، لابه و درخواست، اصرار ومبالغه می‏کند و بهتر است از خطبه‏های نقل شده از پیشوایان معصوم مثل‏خطبه‏ای که از امیرمؤمنان علیه السلام روایت شده استفاده کند و مثل نماز عیددو خطبه بخواند البته دومی را به قصد رجاء.

برخی مستحبات و آداب نماز باران‏

حمد و سوره را با صدای بلند بخواند و سوره‏هایی را که در نماز عید مستحب‏است مثل سوره اعلی و سوره الشمس را قرائت کند.

مردم سه روز، روزه بگیرند و روز سوم برای نماز بیرون روند و آن روز دوشنبه‏باشد و اگر ممکن نشد روز جمعه باشد.

امام و جمعیّت با آرامش، وقار و خشوع به سوی صحرا بروند و برای نمازمکان پاکیزه‏ای را در نظر بگیرند؛ و بهتر است با حالتی که رحمت الهی را جلب‏می‏کند بیرون روند مثلاً با پای برهنه باشند.

همراه خود منبر ببرند و مؤذنان در مقابل امام حرکت کنند.

پیرمردان، پیرزنان کودکان و چارپایان را همراه خود ببرند و کودکان را ازمادرانشان جدا کنند تا گریه و زاری کنند و سبب جوشش رحمت الهی شوند.

اگر دعاها مستجاب نشد بار دیگر بیرون روند و نماز و دعا را تکرار کنند تا ان شاءالله رحمت الهی شامل حالشان گردد. و ما را نسزد که لب به اعتراض بگشاییم یا ازرحمت حق مأیوس شویم.